

موضوع: انتخاب درست، وظیفه ملی و دینی

عناوین:

- ۱- انتخاب درست، در همه امور زندگی
- ۲- ادای امانت، در انتخابات مجلس
- ۳- اهتمام به امور جامعه اسلامی
- ۴- مسئولیت‌پذیری در قبال امور جامعه
- ۵- وفاداری به انقلاب و امام و شهدا
- ۶- کنار گذاشتن منافع شخصی و حزبی در انتخابات مجلس
- ۷- توجه به محرومان جامعه در اداره کشور

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین بعدد ما أحاط به علمه، الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی

در خدمت عزیزانی هستیم که یا امسال پای صندوق رأی می‌روند یا در آستانه رفتن هستند. موضوع بحثمان انتخاب است. دائماً ما در حال انتخاب هستیم. با چه کسی دوست شویم؟ با چه کسی قهر کنیم؟ با چه کسی بجنگیم؟ با چه کسی صلح کنیم؟ در این تغذیه اگر انتخاب صحیح نباشد، همه بیماری‌ها برای همین است. در انتخاب غذا، غذای بد را انتخاب می‌کند و مریض می‌شود. تمام اینهایی که معتاد هستند برای این است که در انتخاب دوست، دوست معتاد رفیق شده است.

۱- انتخاب درست، در همه امور زندگی

انتخابات اینطور نیست که هر چهار سالی یکبار نماینده مجلس شوند یا رئیس جمهور شود یا چند سالی یکبار خبرگان باشند. انتخاب همسر، چرا آمار طلاق زیاد شده است؟ برای اینکه در انتخاب همسر دقت نمی‌کنیم. بنابراین انتخابات برای رئیس جمهور و نماینده مجلس و شورای شهر و خبرگان نیست. لذا همیشه همه ما چون دائماً سر و کارمان با انتخابات است دائماً باید نماز بخوانیم و دائماً باید در نماز اهدنا الصراط المستقیم بگوییم. چون دائماً در حال انتخابات است. اگر سالی یکبار، ببخشید... این صدای چیه می‌آید؟ یک صدایی می‌آید؟ این صدا در ضبط نمی‌رود؟ نرود اتاق پخش بگویند قابل پخش نیست. هان... ادامه بدهم.

تمام دعاها مستحب است جز یک دعا، تنها دعایی که واجب است اهدنا الصراط المستقیم است. دعاست، یعنی خدایا ما را به راه مستقیم هدایت کن. دعاست ولی دعای واجب است. نه یکبار، دو بار، سه بار، چهار بار، ده بار باید بگوییم. چون شبانه روز هفده رکعت نماز می‌خوانیم هفت رکعتش «سبحان الله و الحمد لله» است. ده رکعتش حمد و سوره است. در حمد و سوره باید «اهدنا الصراط المستقیم» بگوییم. از اینکه همه مسلمان‌های کره زمین در طول عمر باید روزی ده بار «اهدنا الصراط المستقیم» بگویند، پیداست همیشه در معرض خطر هستیم و همیشه در حال انتخاب هستیم. این برای کسانی که پای تلویزیون هستند و ممکن است بگویند که ما سنمان به انتخابات نمی‌خورد. انتخابات یک مسأله‌ی سیاسی‌اش چهارسال چهار سال است ولی فردی و اجتماعی و اخلاقی و علمی‌اش دائماً است. انتخابات در اسلام چه می‌گوید؟

۲- ادای امانت، در انتخابات مجلس

چون من معلم قرآن هستم خدا لطف کرد من از طریق قرآن... قرآن یک آیه دارد می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء/۵۸) خدا می‌گوید: امانت را به اهلش بدهید. یعنی اگر ایشان لیاقت ندارد به او پست ندهید. این برای انتخابات مردم نیست. وزرا چه کسی را مدیر کل می‌کنند، وزیر کشور چه کسی را استاندار و فرماندار و بخشدار می‌کند. قرآن آیه دارد می‌گوید: خداوند می‌گوید: امانت را به اهلش بدهید. جمهوری اسلامی امانت است. چه کسی به دست ما داده است؟ شهدا. صدها هزار جوان و غیر جوان، شهید و جانباز و اسیر این جمهوری را درست کردند. شاه را بیرون کردند و امام خمینی

را آوردند. این امانت است. خدا در قرآن می‌گوید: امانت را به اهلش بدهید. اگر کسی امانت را به اهلش ندهد خائن است. یک حدیث است سالهای قبل در انتخابات گفتم، تکرار کنم. «من» در عربی می‌دانید چیست؟ بگویید.. «من» یعنی از، من یعنی چه کسی؟ «تقدم» می‌دانید یعنی چه؟ فلانی مقدم است، حق تقدم. «من تقدم علی قوم» یعنی اگر کسی در یک جامعه‌ای رفت جلو ایستاد. «و هو یری فیه» می‌بیند در آن جامعه از او بهتر هم هست. خودش نمره پانزده است، خودش را کاندیدا می‌کند. می‌داند بینی و بین الله پانزده که هیچی، نمره شانزده، هفده، خیلی از اینها بهتر هستند. اگر کسی یک پستی را قبول کند و بداند از او بهتر هست، اگر پست را استعفا ندهد، «فقد خان الله» خیانت به خدا کرده است. «و رسوله» به رسول خدا خیانت کرده «والمؤمنین» به همه مؤمنین خیانت کرده است. این برای امام جمعه هم هست.

من امام جمعه هستم، بدانم استعفا بدهم جمعی به نماز جمعه اضافه می‌شوند باید استعفا بدهم. من اگر باشم این مقدار می‌آیند، من کنار بروم کسی دیگر باشد، بیشتر می‌آیند. اگر نماز جمعه بیشتر می‌شود خوب من بروم. در تلویزیون بنده حرف می‌زنم، بگویم آقای فلانی بیاید جای تو حرف بزند مخاطب بیشتر است، باید این کار را کند. تلویزیون واجب است مرا عوض کند. زنگ زن آقا بس است دیگر. یک آدم تازه نفس آوردم از تو بهتر است. در فوتبال ما چه می‌کنیم؟ اگر کسی تازه نفس بود، ببینیم اگر ایشان میدان‌دار باشد ورزش ما پیروز می‌شود فوری آن را عوض می‌کنند. می‌گویند: تو برو او بیاید. «من تقدم علی قوم» کسی که بر قومی جلو بیافتد، «و هو یری فیه» می‌بیند در جامعه از او بهتر هم هست، «خان الله و رسوله» حرف آخر را حفظ کردید؟ دو تا را من می‌گویم و یکی را شما بگویید. «خان الله و رسوله و المؤمنین» خیانت کرده به خدا و رسول خدا و همه مؤمنین.

۳- اهتمام به امور جامعه اسلامی

قرآن این آیه را می‌گوید. قرآن آیه دوم را می‌گوید، «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات/۲۴) روز قیامت خطاب می‌شود اینها را نگه دارید باز از شما سؤال می‌کنیم کلید مملکت را به چه کسی دادی؟ شما بیمار که می‌شوی اگر یک دکتر از او بهتر باشد، نزد دکتر بهتر می‌روید. بعضی می‌گویند: ما در انتخابات شرکت نمی‌کنیم. در مورد اینها چه داریم؟ عربی‌اش را می‌خوانم، عربی و فارسی خیلی قاطی است. یعنی بعضی از عربی‌ها را فارسی‌ها می‌فهمند. «من اصبح» اصبح همان صبح است. اگر کسی صبح کند. «و لم یهتم بامور المسلمین» ولی نسبت به امور مسلمین بی‌خیال باشد، بگوید به ما چه. کسی که صبح کند و به فکر مسلمان‌ها نباشد، انتخابات هم نیست. یکبار برف است، یکبار زلزله است، یکبار جنگ است. یک حادثه‌ای رخ می‌دهد مردم گیر می‌کنند. اگر کسی نسبت به مشکلات مردم بی‌خیال باشد، «فلیس بمسلم» می‌توانید معنا کنید؟ لیس یعنی چه؟ نیست. مسلم یعنی مسلمان، یعنی اگر مسلمانی هست بی‌خیال است، مسلمان نیست. خیلی مهم است. «و لم یهتم» اهتمام، اهتمام یعنی جدی بگیرد. اگر کسی صبح کند و نسبت به مسلمان‌ها و مشکلات مسلمان‌ها جدی نباشد، «فلیس بمسلم» مسلمان نیست. حدیث داغی است.

۴- مسئولیت‌پذیری در قبال امور جامعه

«کلکم راع» یعنی همه شما مسئول هستید. «و کلکم مسئول عن رعیتہ» استثناء ندارد همه مسئول هستید. گاهی یک زن یک کاری می‌کند که تاریخ را عوض می‌کند. به فرعون گفتند: امسال زنی پسری می‌زاید که حکومت تو را زیر و رو می‌کند. فرعون گفت: هر زنی پسر می‌زاید پسرش را بکشید. مادر موسی زایید احساس کرد او را می‌کشند. به مادر موسی الهام شد شیر بده، در جعبه بگذار و در دریا بینداز. ما این جعبه را برمی‌گردانیم. مادر موسی این کار را کرد. فرعون نشسته بود دریا را تماشا می‌کرد دید یک جعبه روی آب است گفت: بروید بیاورید. رفتند دیدند یک نوزاد درونش است. گفت: نکند این همان است که مرا می‌کشد؟ خواست او را بکشد، اینجا خانم فرعون نهی از منکر کرد. گفت: «لا تقتلوه» او را نکش. ما نمی‌دانیم پدر و مادرش کیست؟ آب این را آورده است. ما هم بچه‌دار نمی‌شویم. این بچه، بچه ما باشد. خدا برای ما آورده است. آب برای ما آورده است. یک کلمه این خانم گفت، یک نفر یک کلمه گفت، ولی چه کرد؟ رأی فرعون را عوض کرد. رأی فرعون که عوض شد، فرعون موسی را نکشت. بعد موسی بزرگ شد و پیغمبر شد. امت بنی اسرائیل را نجات داد. یعنی یک خانم یک کلمه گفت، این کلمه سرنوشت موسی را عوض کرد. موسی که سرنوشتش عوض شد، سرنوشت جامعه عوض شد. نمی‌شود گفت من یک نفر هستم.

حضرت یوسف برادران زیادی داشت. روی حسادت تصمیم گرفتند او را بکشند. آنجا یک مرد گفت: «لا تقتلوه» او را نکشید. «الْقَوَةُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ» (یوسف/۱۰) عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. در چاه بیندازید. یک نفر برادر، یک نفر از منکر کرد. گفت: او را نکشید. با این رأی آنها را عوض کرد. با یک رأی، رأی باقی‌ها عوض شد. رأی باقی‌ها که عوض شد یوسف را نکشتند. یوسف در چاه افتاد و بیرون آمد، بعدها حکومت دستش گرفت و جامعه را از قحطی نجات داد. یک جمله از برادر یوسف را نجات داد، یوسف جامعه را از قحطی نجات داد. نمی‌شود گفت به ما چه ما یک نفر هستیم. ما چه می‌دانیم... بی تفاوتی، سلیمان سان می‌دید. گفت: هدهد نیست. عربی‌اش، قرآن بخوانم. «مَا لِي لَا أَرَى الْهُدُودَ» (نمل/۲۰) چه شد که من هدهد را در شما نمی‌بینم؟ حاضر غایب می‌کرد حتی از پرنده‌ها. هدهد آمد گفت: کجا بودی؟ گفت: سلیمان گرچه تو هم پیغمبر هستی و هم شاه هستی اما من یک چیزی بلد هستم که تو بلد نیستی. «أَحْطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ» (نمل/۲۲) [حاج آقا می‌گوید: لم تحط به خبرا] یعنی من احاطه دارم به چیزی که... چیزی بلد هستم که تو هم بلد نیستی. این آزادی بیان است که یک هدهد به پیغمبر و پادشاه می‌گوید: چیزی را می‌دانم که تو هم نمی‌دانی. گفت: چه؟ گفت: از منطقه‌ای پرواز می‌کردم که مردم خورشید پرست بودند و پادشاهشان هم خانم بود. حضرت سلیمان یک نامه نوشت به هدهد داد. هدهد هم به نوکش گرفت، رفت نامه را نزد آن خانم گذاشت. خانم دید «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ» این نامه از سلیمان است. «وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (نمل/۳۰) این نامه در قرآن آمده است. «أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَىَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل/۳۱) دست از شرک بردارید و خداپرست شوید. یک پرنده، یک نامه را به نوک گرفت، رفت و برگشت، تبدیل شد که این بالقیس خانم، خانم پادشاه مسلمان شد و کشورش زیر و رو شدند. یک نفر است.

گاهی وقت‌ها می‌گوییم: حالا این موی ما چه کار دارد به انقلاب؟ ما که انقلاب را قبول داریم. درست است شما انقلاب را قبول داری دستت درد نکند ولی کارهای جزئی را هم باید انجام بدهید. شما سر سفره مهمانی اگر ببینی همه غذا درست است

فقط نمکش ساییده نشده است، دانه‌های نمک درشت است. خود شما ناراحت هستی، نگذاشتند، سرم شلوغ بود نشد. حرص می‌خورد. می‌گوید: چرا این یکی است. خود شما در سفره اگر یک گوشه بد باشد، ناراحت هستید. یا مثلاً این مهمان می‌رود سبزی بخورد می‌بیند این ترب گلی درونش است. ترب شسته نشده است. خود شما حالا این سفره به این خوبی یک خرده گل است ولش کن! خود شما هم گیر می‌دهید. قرآن هم گیر می‌دهد. شما اگر یک دقیقه قبل از افطار، افطار کنی کل روزهات باطل است. سر نماز یک لحظه رویت را آن طرف کنی، نمازت باطل است. حساب و کتاب است. می‌گویند: سی و چهار متری گنج است. سی و پنج متری را بکنی به گنج نمی‌رسی. سی متری را هم بکنی به گنج نمی‌رسی. می‌گویند: بعد از نماز سی و چهار بار الله اکبر بگو، سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار هم سبحان الله بگو. حالا سی و چهار بار چانه‌ام گرم شده، بگذار برویم تا چهل بار. وقتی گفتند: سی و چهار متری گنج است، چهل متری برویم به گنج نمی‌رسیم. حساب حساب است. این سبب زمینی ما فرمول دارد. چند درصدش آب است، چند درصدش نشاسته است. چند درصدش قند است؟ تمام این چند درصدها حساب شده تا سبب زمینی شده است. فرمول‌هایش را عوض کنی دیگر سبب زمینی نیست، چیز دیگری است. درس خواندن و راه رفتن، گاهی وقت‌ها یک چیزی به یک ثانیه بند است. پس خدا می‌گوید: امانت را به اهلش بدهید. خدا می‌گوید: «و شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران/ ۱۵۹) مشورت کنید، انتخابات یک مشورت کتبی است که این باشد و این نباشد. توصیه‌ی امام در وصیت‌نامه‌اش مفصل نوشتند که در همه انتخابات امت شرکت کنند. توصیه مقام معظم رهبری و همه مراجع این است که در انتخابات شرکت کنید. چون اگر ما شرکت نکنیم مثل لیوان است، لیوان اگر آب درونش نرود، هوا درونش می‌رود. این را باید از آب پر کرد که جا برای هوا نباشد.

۵- وفاداری به انقلاب و امام و شهدا

وفاداری به آرمان شهداء، قرآن می‌گوید: مؤمن چند شرط دارد. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» مؤمنون رستگار هستند. بعد می‌گوید: مؤمنین کسانی هستند که در نماز خشوع دارند، چه و چه... از جمله می‌گوید: «لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون/ ۸) مراعات امانت و اهل را می‌کنند. یعنی وفادار هستند. کسی اگر در انتخابات شرکت نکند یعنی شهدا هرکاری کردند برای خودشان کردند، من نیستم. بی وفایی به خون شهداست، اصلاً شکر است. شما نگاه کنید اگر مادر ما، ما را سعودی می‌زاید چه خاکی به سرمان می‌کردیم؟ مردم سعودی از روزی که متولد می‌شوند تا بعد از صد سال که می‌میرند یک بار پای صندوق رأی نمی‌آیند. این کشور است؟ یک خاندان جنایتکاری حاکم شدند. مثل خود ایران که شاه حاکم بود. شاه چه کاره هست؟ رضاشاه چه کاره هست؟ سوادش بیشتر است؟ تقوایش بیشتر است. شجاعتش بیشتر است؟ یک قلدر است، مثل صدام عراق، شاه ایران، سعودی عربستان. به شکرانه اینکه... گاهی باید شکر کنیم. به شکرانه اینکه این آزادی هست که به ما می‌گویند: تو نظر بده. این خیلی مهم است. قرآن بخوانم. قرآن می‌گوید: به ابراهیم گفتیم پسرت را بکش، عه... آخر حضرت ابراهیم تا حدود صد سالگی بچه‌دار نشد. بعد از صد سالگی بچه‌دار شد، خدا به او گفت: این بچه را با مادرش بگذار در بیابان‌های مکه و برگرد. تنهایی یک زن و یک بچه در این کوه‌های داغ مکه، باشد چشم. بچه ده سیزده ساله شد. خدا به ابراهیم گفت: حالا سر بچه‌ات را ببر. عه! عه ندارد. دستور خداست، چشم! حضرت ابراهیم با بچه‌اش مشورت کرد، گفت: یا بنی! پسر کوچولو! «یا بُنَيَّ إِنِّي

أرى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ» (صافات/ ۱۰۲) من پی در پی تو خواب می بینم که سر تو را ببرم. «فَانْظُرْ» عربی است یعنی نظریه بده. «ما ذا تری» رأی تو چیست؟ یعنی ابراهیم صد ساله با پسر سیزده ساله مشورت کرد. حالا اینکه گفتند: شما هجده سالگی پای صندوق بیایید، این تعاونی حساب کردند. قیمت بازار این است که انسان از این زودتر هم بالغ شده است. بچه ها که حالا خوب می فهمند. گاهی بچه ها یک چیزهایی را می فهمند که ما نمی فهمیم. بارها شده است. ولی قرآن می گوید چه؟ سؤال می کند آقا نظر قرآن در مورد انتخابات چیست؟ قرآن می گوید: ابراهیم صد ساله با پسر سیزده ساله مشورت کرد. «فانظر ما ذا تری» حالا چون مثلاً گفتند نوجوان است، ممکن است آسیب پذیری او بیشتر باشد. به شکرانه اینکه ما آزادی داریم. باید از این آزادی استفاده کنیم. آزادی استفاده نکنیم شکر انجام ندادیم.

۶- کنار گذاشتن منافع شخصی و حزبی در انتخابات مجلس

باید حساب کنیم اگر رأی بدهیم چه کسی شاد می شود؟ امام خمینی شاد می شود. سردار سلیمانی شاد می شود، شهدا شاد می شوند. رأی ندهیم آمریکا خوشحال می شود. ما الآن زیر ذره بین هستیم. نماز جمعه های ما روی فرمول است که نماز جمعه ها خلوت است یا شلوغ است؟ دوره های نمایندگان مجلس می گویند چند عالم درونشان است، روحانیون کم هستند، هستند، نیستند. کدام مسجد شلوغ تر می شود؟ اینها حساب و کتاب دارد. مردم حساب می کنند زیر ذره بین هستیم. حالا... چه کسی خوشحال می شود؟ در انتخابات چند تا نه داریم. ۱- نه انتفاعی، ۲- نه انتقامی، نه عاطفی، نه صنفی، نه تعصبی، بین خودتان و خدا حساب کنید که از افرادی که مورد، یعنی ایمان داری، کسی که به او ایمان داری، باید به چه کسی رأی بدهم؟ روی تعصب من ترک هستم به ترک رأی بدهم. فارس هستم به فارس رأی بدهم. آخوند هستم به آخوند رأی بدهم. تعصب نباشد. حدیث داریم کسی که اهل تعصب باشد یا دیگران برایش تعصب به خرج بدهند، ریسمان ایمان از گردنش جدا شده است. یعنی دیگر از دین بیرون رفته است. حق با کیست؟ حالا همشهری ما هست یا نیست؟ همشاگردی ما هست یا نه؟ از ما دعوت کرده یا نکرده؟ وعده ای داده یا نداده؟ هریک از اینها در انتخابات بیاید، این خدا نیست. انتقامی، نه! گاهی وقت ها می گوئیم نه، آخر ایشان وقتی می خواست مکه برود با ما خداحافظی نکرد پس من هم دیدنش نمی روم. ایشان در عروسی دختر ما نیامد، من هم تشییع جنازه پدر بزرگش نمی روم. انتقام می کشم. انتقامی نه، انتفاعی نه، عاطفی، در رودروایی گیر کردم، نه! صنفی، برای صنف ماست، نه. تعصب نه! پس چه؟ جملاتی که هست این است که می گوید: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۷۲) اقواهم یعنی چه کسی قوی تر است؟ چه کسی می تواند؟ «وَأَعْلَمُهُمْ» چه کسی تخصص علمی اش بیشتر است. بصیرت، چه کسی کلاه سرش نمی رود. «إِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰) «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ» (یوسف/ ۱۰۸) یعنی کلاه سرش نمی رود. می فهمد!

گاهی وقت ها سواد هم دارد ولی با یک بستنی گول می خورد. آدم فوق لیسانس است. یک فیلم می بیند همه عقایدش پایین می ریزد. یک چیزی به دیوار نوشتند، نگاهش می کند این را می خواند عوض می شود. یعنی مایه ندارد. محوریت قرآن، «إِنَّ الْكِتَابَ لَمَعَى مَا فَارَقْتَهُ مَذْ صَحْبَتُهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲) حضرت فرمود: من از قرآن جدا نمی شوم. یک جمله ای مقام معظم رهبری قدیم فرمود، که بعد در یکی از سفرها بجنورد گفت: من از خدا استغفار می کنم، این کلمه ای که گفتم. باز پریروز برای

مداح‌ها گفت: مسأله نسل نو است. زمان شاه یک قانونی آوردند که اولاد کمتر، زندگی بهتر. این شعار زمان شاه بود. در زمان جمهوری اسلامی نگفتند: اولاد کمتر، زندگی بهتر! گفتند: تنظیم خانواده. کنترل نسل، بعد معلوم شد یک طراحی است، هجده رقم قرص و آمپول هم گذاشتند که ایرانی‌ها استفاده کنند که نسل ایران قطع شود یا کم شود. یک طرحی است که قرآن چه می‌گوید؟ قرآن می‌گوید: «وَ اذْكُرُوا» یادتان نرود، نسل زیاد باشد یا کم؟ بچه زیاد یا کم؟ می‌گوید: «وَ اذْكُرُوا اِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ» (اعراف/۸۶) کم بودید، آمارتان زیاد شد. خدادر قرآن می‌گوید: شما کم بودید، آمار شما بالا رفت. یعنی جمعیت زیاد ننگ است یا افتخار است؟ با هم بگویید، افتخار است. چون می‌گوید: «وَ اذْكُرُوا» یعنی ذکر، یادت باشد. «اِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا» شما کم بودید، کسی که قرآن داشته باشد هیچوقت با تبلیغات کنترل نسل ندارد.

اگر ما به قرآن برگردیم، آموزش و پرورش باید زیر و رو شود. کل آموزش و پرورش و دانشگاه و حوزه باید زیر و رو شود. چون قرآن می‌گوید: علمی بخوانید که درونش رشد باشد. حضرت موسی نزد حضرت خضر آمد و گفت: می‌خواهم شاگردت باشم، اجازه می‌دهی. اینها که می‌گویم از قرآن است و شعر و خواب و قصه و تاریخ نیست. متن وحی است. «هل» می‌دانید یعنی چه؟ «هَلْ أَتَبِعُكَ» (کهف/۶۶) اجازه می‌دهی من تابع تو باشم یعنی عقب تو راه بیافتم؟ چه کار داری؟ «عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا» از آن علوم که خدا به تو داده به من هم بده. منتهی «رشد» یعنی هر درسی می‌خوانید باید درونش یک رشدی باشد. رشد فرهنگی، رشد سیاسی، رشد بدنی، رشد، یک رشدی باید درونش باشد. بسیاری از چیزهایی که می‌خوانیم حضرت عباسی هیچ فایده‌ای ندارد. کوه هیمالیا چند متر است؟ به من چه چند متر است. رابطه من با کوه هیمالیا چیست؟ رودخانه‌های پاکستان، من رودخانه‌های پاکستان را بدانم یا ندانم... سؤال‌های مذهبی هم همینطور است، بسیاری چرت است. از من پرسید: آقای قرائتی! در قطب شمالی شش ماه شب است و شش ماه روز است، نماز ظهر چه می‌شود؟ گفتم هروقت بلیط گرفتی از درون فرودگاه زنگ بزن بگو آقا بلیط دستم است. آخر مادرت رفته قطب شمالی و پدرت رفته قطب جنوبی؟ چیزی که مورد نیازت نیست چرا... (خنده حضار)

باید پالایش شود، آنچه مورد نیاز است، «خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم/۱۲) با قدرت بگیریم، اما آنچه اطلاعات است، یک شعار ننگی هم در دهان ما گذاشتند، شعار ننگ این است. آدم هرچه را بداند بهتر از این است که نداند. غلط کرد! چه کسی این را گفت. شما عیب‌های مرا بدانی بهتر از این است که ندانی. خوب عیب‌های مرا بدانی پای حرف‌های من نمی‌نشین. من عیب‌های شما را بدانم نزد شما نمی‌آیم. بوعلی سینا چند کیلو است؟ به تو چه. (خنده حضار) این علم است. این خانم باید یاد بگیرد چگونه بچه را تربیت کنیم که بچه کمالات انسانی را داشته باشد.

یکسری چیزهایی را دخترها می‌خوانند هیچ فایده ندارد، یکسری چیزها را پسرها می‌خوانند هیچ فایده ندارد. یکسری چیزها را ما طلبه‌ها می‌خوانیم هیچ فایده ندارد. یک انقلابی باید شود. اگر به قرآن برگردیم قرآن می‌گوید: بعضی علم‌ها مضر است. آیه‌ای که علم مضر است را برای شما بخوانم؟ «وَ يَتَعَلَّمُونَ» یعنی تحصیل می‌کند، «مَا يَضُرُّهُمْ» (بقره/۱۰۲) یاد می‌گیرد اما این علم ضرر دارد. خیلی درس‌ها ضرر دارد. باید یک کودتایی شود در موارد درسی، هرچه مفید است روی چشم و هرچه مفید نیست کنار بیاوریم. جوان ما تاریخ تولد فلان شخص را می‌داند که هیچ خاصیتی ندارد، آنوقت فرهیختگان شهر خودش را

نمی‌داند. این بد است. این حرفی که می‌زنم تکراری است. توجه دارم که تکراری است می‌خواهم... انتخاب علم، باید وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم کمیته‌ای داشته باشند تمام چیزهای مفید دانستنش واجب شود و تمام چیزهایی که جهت اطلاع است، مثل جدول روزنامه، خیابان قدیمی دو حرفی تهران... خیابان دو حرفی قدیمی در تهران، فکر می‌کنیم بعد می‌گوییم: ری! حالا چه مشکلی حل شد؟ نمی‌دانستیم چه خاکی بر سر می‌کردیم؟ حالا که فهمیدیم چه مشکلی را حل می‌کنیم؟ چه فایده دارد؟ جدول روزنامه، این شعار را چه کسی گفته است؟ این شعار ضد عقل است. هرچه را بدانیم بهتر از این است که ندانیم، این دروغ است. شما عیب‌های همدیگر را بدانید بهتر است؟

۷- توجه به محرومان جامعه در اداره کشور

انتخاب رشته‌ی تحصیلی، این دیگر برای انتخابات نماینده مجلس نیست. محوریت قرآن، فکر محرومان بودن از کجاست؟ شعار فکر محرومان و مستضعفین زیاد است. اما اگر عربی اش را خواستید این است. الله الله، شما را به خدا، شما را به خدا «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى» (نهج البلاغه/نامه ۵۳) طبقات پایین، یعنی از خدا بترسید. فکر طبقات زیر باشید. طبقات سفلی یعنی طبقه‌های پایین، مستضعفین. چه کسی کار را سریع انجام می‌دهد؟ بعضی خوب هستند ولی لفتش می‌دهند. یکوقتی یکی از نماینده‌های مجلس در تلفن با من حرف می‌زد می‌خواست بگوید: انشاءالله انجام می‌دهیم، گفت: به ت... درج انجام می‌دهد. گفتم: چقدر لفت دادید؟ گفت: من خود این کلمه‌ی به تدریج را هم به تدریج می‌گویم. اول می‌گویم: ب... ت... ریح! این آدم خوبی است ولی صبح قلقلک می‌دهی غروب می‌خندد. (خنده حضار) ریشه حرف تو چیست؟ آقای قرائتی چانه‌ات گرم شده این حرف‌ها را می‌زنی؟ نه چانه‌ام گرم نشده است. از قرآن می‌گویم.

حضرت سلیمان می‌خواست تخت بالقیس، آن خانمی که به او نامه داد، به هدهد، حضرت سلیمان می‌خواست تخت او را بیاورد، گفت: «أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا» (نمل/۳۸) عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. چه کسی می‌تواند تخت بالقیس را از جا بکند و اینجا بیاورد؟ یکی نشسته بود گفت: «قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ» (نمل/۳۹) تا نشسته‌ای می‌آورم. یکی گفت: من زودتر! گفت: تو چه؟ گفت: «قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل/۴۰) قبل از اینکه مژه بر هم بزنی می‌آورم. این هم باز از پیش داوری‌هاست. چون الآن دنیا طوری کرده که با یک اشاره صدا را از آمریکا گوش می‌دهید. با یک تلفن شما با کانادا صحبت کن. اخیراً عکسش هم پیدا است که آن طرف دنیا حرف می‌زند و شما با یک دکمه عکسش را می‌بینی. پس صوتش آمد و عکسش هم آمد. حالا قرآن می‌گوید: خودش هم می‌آید. یعنی در یک چشم به هم زدن می‌شود تختی را از یک منطقه‌ای... این سالن را از اینجا بلند کنیم و نیشابور بگذاریم. می‌شود؟ قرآن می‌گوید می‌شود. تا حالا نشده، نخیر نشده است. خیلی چیزها نشده و بعداً هم نمی‌شود.

چه کسی سریع انجام می‌دهد؟ من یک کشوری رفتم در فرودگاهش قطار بود. یعنی از این طرف سالن که می‌خواستی آن طرف سالن بروی چند کیلومتر بالاتر رفتیم. آن سفیر ما با ما بود گفت: به نظر شما اینجا چند سال است درست کردند؟ گفتم: به نظر اینجا طبق ایران اگر باشد، صد سالی می‌کشد. گفت: اینجا را سه ساله ساختند. همین بیماری که... کرونا... (حضار می‌گویند) همین بیماری که در چین پیدا شد گفتند: یک بیمارستان هزار تخت خوابی را... حضار می‌گویند... (آقا توجه کنید) ده روز ده

شب یک ماه، هزار تخت خواب یک ماه؟ ما خیلی لفتش می‌دهیم و لذا مسجدهای ما، مدارس و دانشگاه‌های ما... یک خرده باید زیر و رو شود. چه کسی گفت: دانشجو درس... برایش خوابگاه بسازیم؟ بودجه نداریم. آقای دانشجو بیا ببینم تو چهار سال می‌خواهی در خوابگاه بخوابی باید ده روز هم بنایی کنی. مهندس داریم، آهن هم داریم، پول کارگر نداری، هر دانشجویی می‌خواهد از این خوابگاه استفاده کند ده روز بنایی کند. عملگی کند. ما می‌گوییم: نه بساز، من می‌خواهم درونش بخوابم. او می‌گوید: پول نیست. او می‌گوید: نفت ارزان شد، هیچی همه به هم بند است. یک چیزی باید باشد که نیست. همت نیست.

نماینده مجلس باید یک خرده فرز باشد. فرزی از کجای قرآن درمی‌آید؟ حضرت سلیمان می‌خواست تخت بالقیس را بیاورد، گفت: کی؟ یکی گفت: تا نشسته‌ای. دومی گفت: تا چشمت را روی هم بگذاری. این یعنی چه؟ اینها را خدا برای چه گفته است؟ می‌خواهد بگوید: فرزی زرنگی و چابکی. در قرآن می‌گوید: مکه می‌روی از این شترهای چاق سوار نشوی. «وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ» (حج/۲۷) سوار شتر باریک شو، چرا؟ شتر چاق به هن و هن می‌افتد. همه پی است. شتر باریک همه ماهیچه است. یعنی برای هرکاری یک آدم فرزی لازم است. مملکت ما خیلی وقت‌ها مسئولینش بعضی حال ندارند. دانشجو می‌گوید: خوابگاه بسازید من می‌خواهم بخوابم. فرز نیستیم! الآن عید جلو است. پنج میلیون ایران دانشجو دارد تقریباً، همه تقریباً مسافرت می‌کنند. یعنی نود درصد، هشتاد درصد با کم و زیادش، دوازده میلیون بچه مدرسه‌ای داریم و پنج میلیون دانشجو، اینها همه صله رحم می‌روند، شهر و روستایشان، این دانشجو بگوید: آقا من دانشجو هستم، پسرعموها، آن خواهر بگوید: دخترخاله‌ها، من دانشجو هستم. اگر در درستان مشکلی دارید که فکر می‌کنید ماه اردیبهشت و خرداد رفوزه می‌شوید، صفحات مشکل را بیاورید من کمک شما کنم. دو ساعت این پسرعمو کمک آن پسرعمو کند. نتیجه‌اش صدها میلیارد تومان صرفه‌جویی در آموزش و پرورش است. چون این بچه درسش را نمی‌فهمد تجدید می‌شود. تجدید شد رد می‌شود. یکبار دیگر باید بخواند. اما اگر این پسرعمویش از تعطیلات عید استفاده کند و یک کمک علمی به فامیل‌هایش بکند صله رحم، هی تخمه کدو، هی تخمه کدو، چیه اینقدر تخمه کدو در مملکت می‌شکنید؟ هی می‌گوییم مبارک باشد. برکت این است که تعطیلات عید جمع می‌شویم پولدارهای فامیل به فکر فقرای فامیل باشند و برای یک دختر یک داماد پیدا کنیم. برای داماد دختر پیدا کنیم. جهازیه‌اش مانده کمک کنیم جهازیه‌اش را حل کنیم. اینها برکت است وگرنه تخمه کدو شکستن برکت نیست.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- کدام آیه قرآن واجب است هر روز ده بار بخوانیم تا دچار انحراف در انتخاب نشویم؟

(۱) الحمد لله رب العالمین

(۲) اهدنا الصراط المستقیم

(۳) ربنا آتنا فی الدنیا حسنة

۲- خداوند در آیه ۵۸ سوره نساء، به چه کاری سفارش می‌کند؟

(۱) ادای امانت به اهلش

(۲) حفظ امانت در نزد خود

(۳) عدم پذیرش امانت از مردم

۳- چه کسی رأی فرعون برای کشتن موسی را برگرداند؟

(۱) همسر فرعون

(۲) مادر موسی

(۳) خواهر موسی

۴- آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، چه فرمانی به رسول خدا می‌دهد؟

(۱) حکومت بر مردم

(۲) ارشاد و هدایت مردم

(۳) مشورت با مردم

۵- آیه ۱۰۸ سوره یوسف، به کدام ویژگی اهل ایمان تأکید دارد؟

(۱) عبادت

(۲) بصیرت

(۳) شجاعت

سؤال ۱	سؤال ۲	سؤال ۳	سؤال ۴	سؤال ۵
۲	۱	۱	۳	۲